

پیامبر ص و مسئله اجتهاد

مقدمه: در چند شماره قبل مطالبی پیرامون سیر تاریخی اجتهاد از آغاز تاکنون از نظر خوانندگان عزیز گذشت. در این شماره ادامه مبحث اجتهاد در اسلام پیرامون این سؤال که: آیا پیامبر (ص) نیز اجتهاد می کردند؟ از نظر شما خواهد گذشت لازم بتذکر است که بعثت تراکم مطالب و نویسنده بوقوع مطالبه در دو شماره قبل موفق بچاپ این سلسله مطالب شدیم، که از این بابت از خوانندگان عزیز بوزش می طلبیم.

آیا پیغمبر (ص) و امامان (ع) اجتهاد میکردند؟

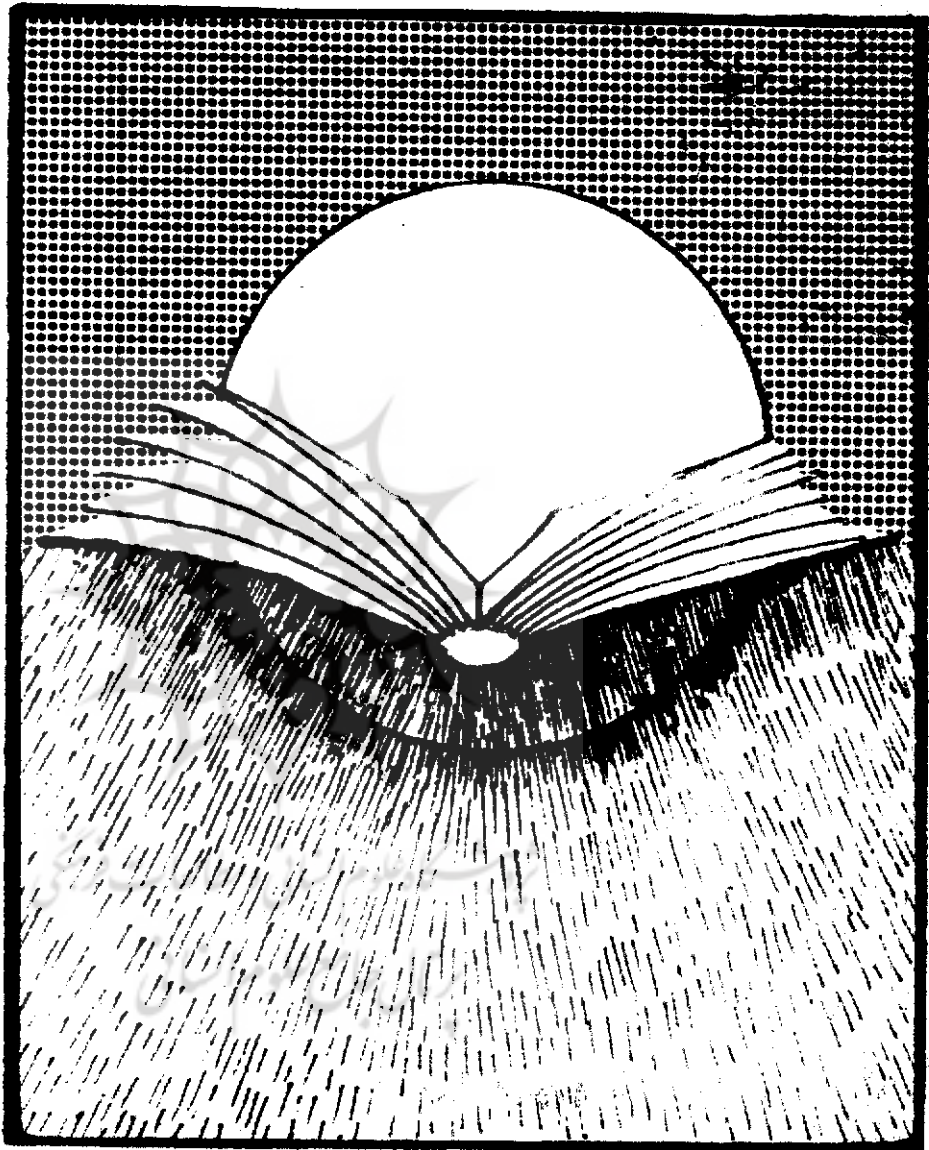
با توضیحاتی که پیرامون سیر تاریخی اجتهاد تاکنون بیان شد میتوانیم نتیجه بگیریم که اجتهاد بمعنای استنباط احکام در دوران ائمه علیهم السلام آغاز نشده است، آنچه ازین دوران در این زمینه بما رسیده است یک سلسله رهنمودها درباره اجتهاد و تاسیس برخی از اصول کلی آن است، که این معنی بدوران امام جعفر صادق (ع) مربوط میشود و هم چنین مشاهده میکنیم که امامان بخصوص امام حسن عسکری و امام صاحب الزمان (ع) امت را توصیه میکنند که در کسب تکالیف شرعی به کسائی رجوع کنند که شناخت کافی از احکام و دستورات الهی داشته باشند.

بنابراین ائمه اطهار (ع) اجتهاد را بعنوان یک اصل اساسی اسلام برای آینده امت، یعنی دورانی که امت اسلام با اقتدان امام معصوم روبرو خواهد شد آموزش و معرفی فرموده اند، همانگونه که اصول و ابعاد دیگر اسلام را در مناسبات مختلف به اصحاب دانشمند خود می آموختند.

طبیعتا ممکن است اینجا این سؤال پیش آید که اگر ائمه (ع) اجتهاد نمیکردند پس احکام الهی را بر اساس چه منبعی بیان میکردند؟

بلکه سؤال را عمیق تر میتوان مطرح کرد و آن اینکه با در نظر گرفتن این حقیقت که اجتهاد از دوران پیغمبر (ص) آغاز شده است و آن حضرت خود در مواردی اجتهاد میکردند و هم چنین باصحاب خود نیز توصیه میکردند، چگونه آنرا نسبت به ائمه میتوانیم انکار کنیم در صورتیکه اجتهاد باید در این دوران تکامل و شکوفائی بیشتر یافته باشد.

اینجا لازم است بمنظور روش شدن مطلب به ترتیب درباره دو سؤال تحقیق بعمل آید:
اول اینکه: آیا پیغمبر (ص) اجتهاد میکرد؟
دوم اینکه: ائمه بر چه اساس و باتکیه بر چه منبعی احکام الهی را بیان میکردند؟



❁ تحقیق آنست که رسول الله (ص)، اجتهاد نمی فرمود
و اصولا نسبت دادن اجتهاد به پیغمبر (ص) و به عصر
آنحضرت صحیح نیست.

آیا پیغمبر (ص) اجتهاد میکرد؟

برخی از نویسندگان بر این عقیده اند که پیغمبر (ص) در کنار آنچه از طریق وحی دریافت می فرمود، در پاره ای موارد اجتهاد هم میکرد. واحکامی براساس اجتهاد صادر می فرمود. و نه تنها خود اجتهاد میکرد بلکه باصحاب نیز توصیه می فرمود که در صورت فقدان دلیل از قرآن و سنت، اجتهاد کنند.

تنها مدرک این گروه، روایتی است که از رسول ... (ص) نقل میکنند.

روایت اینست که حضرت هنگامیکه یکی از اصحاب خود را بنام (معاذ بن جبل) به یمن اعزام فرمود از او پرسید در یمن چگونه حکم خواهی کرد؟ او گفت: مطابق کتاب خدا.

حضرت فرمود: اگر در کتاب خدا نیافتی چگونه حکم میکنی؟

گفت: مطابق سنت رسول خدا.

حضرت فرمود: اگر دوست پیغمبر نیافتی چگونه حکم میکنی؟

جواب داد: با رای خود اجتهاد میکنم.

حضرت دست روی سینه او گذاشت و فرمود:

شکر خدا را که فرستاده پیغمبرش را به آنچه

دوست میدارد موفق کرد.



تحقیق آنست که رسول ... (ص) اجتهاد نمی فرمود. و اصولاً نسبت دادن اجتهاد به پیغمبر (ص) و به عصر آنحضرت (ص) صحیح نیست. و شاید این نویسندگان احکامی را که پیغمبر اکرم (ص) بعنوان ولی امر جامعه اسلامی صادر می فرمود که مربوط به تشخیص موضوعات می باشد با اجتهاد در احکام که موضوع بحث ما است خلط کرده اند، و اشتباهشان از اینجا ناشی شده است.

توضیح آنکه:

اجتهاد که به پیغمبر (ص) نسبت داده شده است ناگزیر از سه معنا بیرون نیست و هر سه مردود است.

۱- اینکه منظور احکامی باشد که آنحضرت بعنوان ولی امر مسلمانان، صادر می فرمود چون شک نیست که پیغمبر (ص) بعنوان ولی امر جامعه اسلامی اعمال نظرهایی داشته اند و براساس آن، احکام و دستوراتی صادر می فرمود، این نوع صدور احکام مربوط به صلاحیت های ولی امر است که یکی از راه های است که اسلام بنظر حل مشکل قانونگذاری در بعد متغیر زندگی انسان پیش بینی کرده است. یعنی بولی امر اختیار داده که در چهارچوب معین و تحت شرایط خاص، و در پرتو احکام ثابت شرع طبق مصالح و مفاسدی که تشخیص میدهد حکم صادر کند. و این امر اختصاص به زمان خاصی ندارد. و در فصل اول

انمه اطهار (ع) اجتهاد

را بعنوان یک اصل اساسی اسلام برای آینده امت، یعنی دورانی که امت اسلام با غیبت و فقدان امام معصوم روبرو خواهد شد، آموزش و معرفی فرموده اند.

در باره آن توضیح دادیم.

پس اگر منظورشان این معنا باشد، مردود است، زیرا اصطلاحاً این نوع احکام را اجتهاد نمی نامند، چون همانگونه که گفتیم این احکام مربوط به موضوعات می باشد، و از قبیل احکامی است که قاضی در حل مرافعات و امثال آن صادر میکند.

۲- اینکه منظور، اجتهاد بمعنی استنباط احکام باشد، یعنی گفته شود پاره ای از احکام را پیغمبر (ص) براساس استنباط و استخراج از منابع شرعی بیان نموده است، همانگونه که مجتهدین از قرآن و سنت احکام را استنباط میکنند.

این معنی نیز درباره پیغمبر (ص) مقول نیست چون پیغمبر (ص) نسبت بهیچ حکمی نیاز با استنباط نداشت، و کلیه احکام الهی یا از طریق وحی و یا الهام و امثال آن بر او نازل میشد، و خود منبع قانونگذاری و تشریح بود. پس استنباط بمعنی رجوع به منابع درباره آنحضرت صادق نیست.

۳- در فصل اول گفتیم یکی از معانی اجتهاد (قیاس و اعمال رأی در احکام) است. احتمال سوم اینست که ادعا شود پیغمبر (ص) گاهی در احکام قیاس میکردند، و عبارت دیگر گفته شود که آنحضرت درباره ای موارد حکم الهی را براساس قیاس و اعمال رأی تعیین میکردند.

این معنی نیز بوجهی مردود است.

اولاً: قیاس با رسالت و ارتباط با مبدا وحی که لازمه اش احاطه کامل بر احکام و بی نیازی از اجتهاد بتمام معانی آن می باشد مناقات دارد.

ثانیاً از نظر تاریخی: چون قیاس باجماع مورخین، اواسط قرن دوم هجری در قفقاز اهل سنت پیدا شد، و در اوائل امر مورد پذیرش تمام فقها و اهل سنت بود، بدلیل اینکه همزمان با پیدایش مذهب فرایی در عراق، مالک بن انس در مدینه شدیداً با آن مخالف بود، بگونه ای که طرفدارانش بدلیل

مخالفت با مذهب اهل رأی به اهل حدیث معروف شدند.

این اختلاف لافل دلالت میکند که قیاس پدیده جدیدی بود که در قفه سابقه قبلی نداشته است.

ثالثاً: گسائیکه قیاس را بعنوان منبع قانونگذاری می پذیرند همگان متفقند که قیاس در طول (کتاب و سنت) قرار دارد، یعنی هرگاه حکمی را در کتاب خدا و سنت پیغمبر «ص» نیافتند نوبت به قیاس می رسد. و این امر لازمه اش اینست که اول شریعت تکمیل شده باشد، و نزول وحی پایان یافته باشد بنابراین چگونه ممکن بود دوران پیغمبر اکرم (ص) که دوران نزول شریعت و احکام الهی بود قیاس تجویز شود یا اینکه پیغمبر بدلیل نیافتن حکم واقعه ای قیاس کند، چون در همان ممکن بود حکم واقعه ای که میخواهند در آن قیاس کنند بهمت اینکه تاکنون وقت نزول آن نیوده اکنون نازل شود.

و لذا آنحضرت در برخی موارد انتظار نزول وحی را میکشید.

بنابراین روشن شد که اجتهاد بتمام معانی آن، درباره پیغمبر (ص) متصور نیست. تنها سوائیکه هنوز باقی است حدیث اعزام (معاذ بن جبل) به یمن است. زیرا این روایت لافل دال بر اینست که آنحضرت در عصر خود اجتهاد را نسبت به اصحاب تجویز نموده اند.

ولی حقیقت امر آنست که حدیث مذکور از دو جهت ساقط و استدلال به آن مردود است.

۱- از نظر سند و اعتبار:

در کتاب عون المعبود آمده است:

«این حدیث را جوزقانی ذکر کرده است و بدنبال آن افزوده است که حدیث باطلی است، زیرا کتب اساتید بزرگ و کوچک را جستجو کردم و آنرا در هیچیک نیافتم، تنها کسی که آنرا نقل کرده حارث بن عمرو است که او هم شخصی مجهول و ناشناخته است (۱)».

این حزم اندلسی نیز پس از تأکید بر باطل بودن حدیث مذکور می گوید:

«این حدیث ساقط است کسی که آنرا نقل نکرده جز حارث بن عمرو و این شخص مجهول است هیچکس نمیداند او کیست (۲)».

این نظریه علماء حدیث درباره روایت مذکور، با در نظر گرفتن وضعیت حدیث از نظر سند، جانی برای استدلال به آن باقی نمی ماند.

۲- از نظر دلالت:

اولاً: در حدیث مذکور کلمه (چگونه حکم میکنی) آمده است که ظاهراً آن بر این دلالت دارد که مطلب مربوط به تشخیص موضوعات است نه

بقیه در صفحه ۶۳

لزوم تقویت جهاد ...

در ابتدا باید با شدت تمام و قاطعیت تمام باکسازها ادامه پیدا کند، تا ضد انقلاب که هم اکنون در ضعف شدیدی به سر میرسد بکلی مضمحل و نابود شود. این اولین راه حلی است که تا این عملی نشود کارهای دیگر بی ثمر است.

دوم آنکه نهادهای انقلاب اسلامی در کردستان هماهنگ عمل کنند. ادارات دولتی، سپاه جهادسازندگی، استانداری، بنیاد مسکن، کمیته امداد، باید هماهنگی کافی داشته باشند. دیگر آنکه مدارس علوم دینی در کردستان ترویج شود. اکنون که نماینده محترم امام در کردستان جناب حاج الاسلام موسوی هست کرده و این کار را پیگیری می کند باید با سرعت و حجم بیشتری ادامه پیدا کند و برادران اهل تسنن در این مدارس آموزش ببینند تا روحانیت کردستان متعهد و بیدارتر و دارای کارایی بیشتری گردد تا مشغول تبلیغ مسائل اسلامی در مناطق کردستان شوند.

و دانشگاه اسلامی نیز در کردستان برای برادران اهل تسنن ایجاد شود نظیر دیگر دانشگاههایی که در دیگر کشورها هست مثل الازهر ... که اینها محور اساسی هستند که با ایجاد آنها تاثیر فرهنگ

انقلاب اسلامی لوج می گیرد و بعد شناخت کافی از منطقه کردستان چه در بعد سیاسی - فرهنگ - اقتصادی حاصل شود. در بعد سیاسی ریشه های نفوذ ابرقدرتها در کردستان شناسایی شود و در بعد فرهنگی مقابله شود با ایده و نظراتی که افراد مخالف اسلام پختن می کنند. و در بعد اقتصادی تحقیقات کاملی از کردستان شود. این استان پیش از انقلاب یک کارخانه هم نداشته و بعد از انقلاب چند کارخانه در اینجا تاسیس شده و تعدادی درست ساخته شده است. از معادن کردستان تا به حال هیچ گونه مطالعاتی بعمل نیامده. چه سا معادن غنی در این استان یافت شود معدن جیوه در ننگاب برای اولین بار در ایران کشف شده است. باید در امر داهوردی و کشاورزی منطقه برنامه ریزی شود. بنابراین دولت جمهوری اسلامی حساب ویژه ای برای کردستان باز بکند نیروهای زیادی بگذارد تا صورت منسجم با این تحقیقات و برنامه ریزی به دستبهای انجام شود تا این منطقه رشد پیدا کند. و ضعف اقتصادی این استان محروم برطرف شود.

انشاء الله والسلام

تصحیح:

در مقاله با اهداف و فعالیتهای وزارت معادن و فلزات آشنا شویم که در شماره ۲۲ به چاپ رسیده بود تصحیحات زیر بعمل می آید:

۱ - در ستون سوم سطر ۱۹ که با تیتیر درست عنوان شده است: در همین سال جاری به امید خدا کوره بلند دوم ذوب آهن راه اندازی می شود و تولید آن از یک به صد برابر خواهد رسید (مطلب صحیح این است که به سه برابر خواهد رسید).

۲ - در ستون سوم مجددا در سطر ۱۹ مصروف شده آتشگاه و مصروف شد صحیح است.

۳ - در ستون سوم سطر ۲۶ عدد ۲۵۰۰ غلط و عدد ۲۵۰۰ صحیح می باشد.

۴ - در ستون چهارم سطر ۱۰ بعد از جمله با کشف مواد آلومینوسی و استنشاج و بهره برداری از آن جمله آن به این شرح جا افتاده است: «اسیدواریم در این مواد اولیه کارخانه از داخل کشور تامین گردد. دستاه» با هست برادران کارگر و مدیریت مسئولین االی آخر

۵ - ستون چهارم سطر ۲۱ کلمه استخراج در جمله این سطر اضافه است که جمله صحیح به شرح زیر می باشد: معادن به علت غیر عملی بودن قانون معادن نیز رژیم سابق االی آخر والسلام و جهانه

از نهاد ایاموزیم ...

حظی پذیرفته شد و بتحصیل مشغول گردید. شهید هاشمی چه در دوران لوج انقلاب اسلامی و چه قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از روحیه سرشار از شور و شوق انقلابی برخوردار بود و برای استمرار و تداوم انقلاب بر اساس اهداف عالیه اسلام و پیروی از خط ولایت و رهبری لطفه ای سکوت و سلاطین را بر خرد می نمود. قبل از انقلاب به فعالیت هایی چون تکثیر و توزیع اعلامیه و نوارهای امام باهکساری برادرش می پرداخت و پس از پیروزی و استمرار حق در جامعه با تشکیل جلسات ارشاد و مبارزه با ضد انقلاب به ابفای رسالت خویش پرداخت. شهید سید مهدی هاشمی گرچه رسالت خویش را در تحقق بخشیدن به انقلاب علمی انسان ساز و جهان شمول اسلامی به جهان بود اما ضرورت های دوران سرنوشت ساز انقلاب اسلامی باعث شد تا او رسالت خود را متعاقب جنگ تحسینی عراق و توطئه های ضد انقلاب داخلی و خارجی در فعالیتهای انقلابی و ماموریت های تبلیغاتی در اولویت قرار دهد بدینجهت سعی فراوان داشت تا به ماموریت های تبلیغاتی و مسافرت های سازنده در جهت اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی و تبیین خط رهبری ولایت فقیه و وفاداری به خط امام و مبارزه با ضد انقلاب بپردازد.

با این روحیه و اهداف در اسفند ۵۹ از سوی سپاه پاسداران تهران به منطقه جنوب برای فعالیتهای فرهنگی اعزام گردید. در تیر ماه سال ۶۰

برای تشکیل لهدوی عقیدتی در تهران از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان معلم نیرو در نهادهای خوزستان فعالیت میکرد و در این راه از هیچگونه سختی و مشکلات هراسی نداشته وی سپس درآبانماه سال ۶۰ از سوی مدرسه علمیه ستانی برای تبلیغات اسلامی و اشاعه فرهنگ اصیل اسلام به شهرستان بهم اعزام گردید و در آنجا با سخنرانهای مفید و دعوت نمودن مردم مسلمان علیه ظلم و ستم صدامی و مزدوران آمریکائی در داخل نقش بسزائی در آگاه نمودن آنان ایفا نمود و برای دیگر دویمه برای انتشار احکام و مانی اسلامی اسلام به بوشهر اعزام گردید. اما تمام این فعالیتها روحیه سرکش او را علیه متجاوزان صدامی آرام نمی کرد و از اهداف اصلی بلزش نمی داشت و عاقبت در ۲۵ اسفند سال ۶۰ پس از تعطیلی درسهای مدرسه، عازم جبهه های جنوب گردید و در عملیات فتح المبین بارمز پازرها شرکت کرد. و از آنجا که روح پرفتوتش عاشق اهل ... بود و در این مسیر سراز پاتشناخته و برای رسیدن به قله های مرتفع عشق می کوشید تا بالاخره دردم فرورودین سال ۶۱ بعد از جانثارهای فراوان بیدار معشوق خویش پرکشید و گلی شد برگزدار شهدای راستین انقلاب و اسلام.

هر حق شاد و باش بر لوح ضمیر عاشقان است. زند باد

پیامبر (ص) و مسئله ...

احکام، مخصوصا با نظر گرفتن این معنی که بر صورت بسخت حدیث، پیغمبر (ص) او را بعنوان (رالی) به بین اعزام فرموده بود.

ثانی: سید مرتضی علم الهدی در کتاب التریعه، پس از بیان از نظر سن و مجهول بودن راوی می نویسد: «باین حدیث اشکونه نقل شده است: هنگامیکه معاذ پاسخ میداد (اجتهاد رأی) حضرت فرمود (لا، اکتب االی اکتب لک) یعنی نه اجتهاد نکن بلکه بنویس بین تا بدانشش را برایت بنویسم (۳) بهر حال اعم از اینکه متن حدیث این گونه باشد یا همانگونه که در ابتدا نقل شد، جعلی بودن حدیث مقرون بصحت است. زیرا در زمان رسول الله (ص) هنوز کلمه اجتهاد در این معنی جدید اصطلاح نشده بود. و ما حدیث معتبری نداریم که در زمان آنحضرت بصحبتی این کلمه در این معنی بکار رفته باشد.

بنابراین از مجموع صیاحت گذشته نتیجه میگیریم که اصل این ادعا که اجتهاد در زمان پیغمبر (ص) آغاز شده است، ادعا باطلی است.

- باروقی
 (۱) عون المعبود: ۳/۳۳۰
 (۲) الاحکام: ص ۱۷۶
 (۳) الذیعه ج ۲ ص ۷۷۳